

در کنار این مجموعه فوق امنیتی، یک رودخانه وجود دارد و به همین دلیل ساکنان زندان با خطر گزیدگی از سوی پشه‌ها مواجهند و هر لحظه این امکان وجود دارد که یکی از آنها به بیماری تب دنگی مبتلا شوند. از طرفی یکی از سه بلوک این زندان، به محل نگهداری از مجرمان خطرناک اختصاص داده شده است. رونالدینیو نیز در همین مجموعه، در بلوکی ۲۵ نفره قرار گرفته بود اما در کنار سایر امتیازات مخصوصش، از یک تلویزیون خصوصی در سلولش -شماره ۱۹۴- نیز بهره می‌برد و از این طریق توانست به تماشای شکست لیورپول برابر اتلتیکومادرید در رقابت‌های لیگ قهرمانان اروپا بنشیند. ستاره برزیلی در مجموع ۳۲ روز را پشت میله‌ها سپری کرد و سرانجام با چهارمین درخواست وکلای گرانقیمتش، دادگاه تصمیم گرفت در ازای وثیقه‌ای ۷/۶ میلیون دلاری، او را از حبس در زندان به حبس خانگی منتقل کند. آن هم در شرایطی که رونالدینیو و برادرش متعهد شدند کشور پاراگوئه را تحت هیچ شرایطی ترک نکنند. قاضی این حکم را در پیامی تصویری در پیام‌رسان واتساپ برای آنها فرستاد و رونالدینیو با ارسال یک ایموجی و لبخند به پیام قاضی پاسخ داد. از آن زمان به بعد رونالدینیو در هتل «پالماروگا» سکونت یافته است. هتلی در ۳ کیلومتری زندان که مسئولانش برای میزبانی از این ستاره برزیلی هر شب ۶۴ دلار به حساب او اضافه می‌کنند و مأموران امنیتی نیز در اطراف هتل در حال گشت‌رنی مداوم هستند. اما چگونه سرنوشت یکی از بهترین‌های تاریخ فوتبال به اینجا ختم شد؟

نخستین تصاویر پخش شده از رونالدینیو در زندان، تصویر جدیدی از زندگی رنگارنگ ستاره برزیلی را به جهان مخایره کرد. تصویری که این بار بر خلاف گذشته نکته خنده‌داری در دل آن دیده نمی‌شد. این بار دیگر حتی ستاره همیشه خندان نیز گوشه لب‌هایش به سمت بالا قرار نداشت



و نشانه‌ای از نشاط در چهره‌اش یافت نمی‌شد.

تاکنون درخصوص این پرونده که با اتهام ورود غیرقانونی رونالدینیو به پاراگوئه با پاسپورت جعلی در چهارم مارس کلید خورده، بیش از پانزده نفر دستگیر شده‌اند. ضمن اینکه احتمال اقدامات سازماندهی شده در خصوص «پولشویی» نیز وجود دارد. «آدولفو مارین» یکی از وکلای قهار اسطوره برزیلی معتقد است که او این پاسپورت و مدارک را به عنوان هدیه دریافت کرده و در این باره ادعای جالبی را در گفت و گو با نشریه «Folha de S. Paulo» مطرح کرده است: «مطمئن باشید موکلم نمی‌دانسته که در حال ارتکاب جرم است.»

بله؛ این صحبت‌ها به شدت عجیب به نظر می‌رسد اما برای کسانی که در دایره اطرافیان اسطوره حضور دارند، چندان هم ناآشنا نیست. رونالدینیو که در اوایل قرن بیست‌ویکم به عنوان ستاره بزرگ جهان فوتبال شناخته می‌شد، هرگز کنترل کامل و جامعی روی زندگی خود نداشت و اغلب از آنچه پیرامونش رخ می‌داد، بی‌خبر بود. اینکه بسیاری از دیدن دستبند روی دستان او چندان شوکه نشدند، نشانگر همین واقعیت است.

«دیگو اولیویر» یادداشت‌نویس نشریه «Zero Hora» که از نزدیک دوران بازی ستاره برزیلی را تعقیب می‌کرد در این خصوص می‌گوید: «او همواره روی بازی و فوتبال تمرکز داشت. وقتی برزیل در المپیک ۲۰۰۰ برابر تیم ملی کامرون حذف شد، رونالدینیو همانجا ایستاد و از قانون گل طلایی اطلاعی نداشت! او از اتفاقات پیرامون خود در این حد بی‌خبر بود و تعجب می‌کرد.»

اولیویر در ادامه افزود: «در نقطه مشخصی اما باید محدودیت‌هایی وجود داشته باشد. در چهل سالگی باید مسئولیت‌پذیر باشید و بدانید سفر به یک کشور بیگانه با پاسپورت جعلی منجر به دستگیری شما خواهد شد. رونالدینیو در مسائل خارج از میدان همواره سردرگم بوده و متأسفانه حقیقت دارد که او اغلب نمی‌داند اطرافش چه خبر است. وقتی کسی از قانون گل طلایی بی‌خبر است تعجبی ندارد که از غیرقانونی بودن ورود به یک کشور با پاسپورت جعلی نیز با خبر باشد! او فکر کرده یک پاسپورت به او هدیه داده‌اند و او تبعه آن کشور شده، پس مشکلی ندارد با یک نام متفاوت پا به خاک پاراگوئه بگذارد. یک سفر در قالب یک انسان معمولی نه یک سلبریتی. اغواکننده است.»

اولیویر در ادامه صحبت‌هایش حقیقت جالبی را افشا می‌سازد: «از بازگو کردن این حقیقت ابایی ندارم؛ خانواده رونالدینیو اطراف این ستاره یک حباب ساختند و مدام در



گوشش خواندند که تو فقط بازی کن و بقیه موارد را به ما بسپار. او از ۱۴ سالگی در این حباب زندگی کرده و به همین دلیل من مطمئن هستم او به هیچ‌وجه نمی‌دانسته در پاراگوئه چه خبر است!»

در واقع مأموریت آسیس -برادر و مدیربرنامه‌های رونالدینیو- در تمام مدت حضور ستاره برزیلی در داخل و خارج از مستطیل سبز، محافظتِ تمام‌قد از این حباب بوده تا هرگز با ذهنیت منفی سوراخ نشود و نتَرَکد.

آسیس خود یک فوتبالیست بوده و در گرمیو در نقش یک ستاره به میدان می‌رفته. رونالدینیو نیز سال‌هاست او را



«رئیس» می‌نامد. برادر بزرگتری که در سال ۱۹۸۹ قهرمانی جام حذفی برزیل را جشن گرفته. او که در آستانه تبدیل شدن به ستاره کشورش قرار داشت، پیشنهاد چرب و نرم باشگاه «سیون» سوئیس را پذیرفت و با همین تصمیم آینده خود را به نابودی کشاند. او در اواخر دهه سوم زندگی‌اش، در ژاپن بازی و به طور همزمان برادر کوچکترش را نیز مدیریت می‌کرد. زمانی که روی پیشنهاد اغواکننده آیندهوون خط قرمز کشید تا برادرش را از تکرار اشتباه جبران‌ناپذیر خودش دور نگه دارد. آسیس پس از مرگ پدرشان در استخر خانگی، دیگر تنها برادر بزرگترِ پسر خندان نبود؛ او لباس مرد خانه و خانواده را نیز به تن کرد و مسئولیت‌ها را پذیرفت.

خانواده آنها چند ماه پیش از مرگ پدر، به آن خانه مجلل نقل مکان کرده بودند. خانه‌ای که هدیه‌ای از سوی باشگاه گرمیو به آسیس برای تمدید قرارداد و رد پیشنهاد تیم تورینو بود. مدتی بعد از مرگ پدر اما آسیس تصمیم گرفت از شر استخر خلاص شود.

با توجه به همین موارد اصلاً نباید تعجب کنید که رونالدینیو همواره چشم بسته به برادر بزرگ خود اعتماد کرده و در این خصوص هیچ‌گاه شکی به دل راه نداده است. ولی مشکل اصلی در طمع آسیس نهفته؛ چهره‌ای که با وجود سختی‌هایی که در جوانی برای موفقیت برادرش کشیده، بارها برای ستاره برزیلی مشکل‌تراشی کرده و او را در بحران قرار داده است. ستاره‌ای متولد محله «ریو گراند» که نه تنها در شهر خود محبوبیتی ندارد بلکه بسیاری از اهالی منطقه از او متنفر هستند!

او حالا در خیابان‌های شهر تولدش نیز به دلیل اختلافاتش با گرمیو نمی‌تواند راه برود که در این اختلافات، آسیس نقش مهمی ایفا کرده. دو اختلاف اصلی آنها ابتدا انتقال رایگان رونالدینیو به پاری‌سن‌ژرمن و سپس تشویق او به پیوستن به فلامنگو به جای گرمیو در بازگشت به برزیل بود.



«دیگو اولیویر» در این باره می‌گوید: «علیرغم همه مسائل، رونالدینیو برادرش را مردی می‌بیند که جوانی خود را وقف خانواده کرده و به همین دلیل همواره خود را مدیون او می‌داند. از نظر رونالدینیو آسیس فوتبال را رها کرد تا از او مراقبت کند و به همین دلیل هیچ‌گاه مقابل برادرش نمی‌ایستد.»

«وینیسوس گریسی» کارشناس فوتبال اهل برزیل هم در این باره نقطه نظر جالبی دارد: «اینکه بگوییم اعتماد کامل رونالدینیو به آسیس بزرگترین اشتباه زندگی او بوده سخت و شاید بی‌رحمانه باشد. او تأثیر بزرگ و پررنگی در زندگی رونالدینیو داشته. به عبارت دیگر اگر رونالدینیو شخصی مانند آسیس را کنار خود نمی‌دید، علیرغم استعداد بالایش، هرگز به این سطح نمی‌رسید. باید بگوییم رونالدینیو همواره بازیکنی بوده که نمی‌توانسته خودش برای آینده‌اش تصمیم بگیرد و آینده او همواره در دستان دیگران خصوصاً برادرش قرار داشته است.»

البته این حجم از وابستگی میان بازیکنان برزیلی پدیده‌ای مرسوم است و عجیب نیست. «لئوناردو برتوتزی» آنالیزور نامدار شبکه معتبر «ESPN» می‌گوید: «ما سابق بر این آدریانو و پدرش را داشتیم که رابطه آنها نیز عجیب به نظر می‌رسید. چرا راه دور برویم، نیمار و پدرش! همگان معتقدند سینئور به جونیور صدمه می‌زند و با تصمیماتش او را از مسیر پیشرفت خارج کرده اما این تنها اعتقاد رسانه‌هاست و نیمار به این نظرات نه اهمیتی می‌دهد و نه آنها را می‌پذیرد. این دو نمونه به داستان رونالدینیو و برادرش شباهت زیادی دارند.» او در ادامه صحبت‌هایش اضافه می‌کند: «هنگام بازگشت رونالدینیو به برزیل پس از ترک میلان؛ آسیس با سه تیم به مذاکره نشست و به هر یک مسائل متفاوتی گفت. رونالدینیو می‌توانست گاهی سخن بگوید و حرف و تصمیم خود را به کرسی بنشانند، اما مشخصاً هیچ‌گاه دست به چنین اقدامی نزد. شاید نتوانست و شاید هم نخواست.»

در سال‌های اخیر، ستاره پرفروغ سابق تیم ملی برزیل با مشکلات ریز و درشتی دست‌وپنجه نرم کرده است؛ از عدم پرداخت جریمه ۲/۵ میلیون دلاری در پرونده مربوط به «آسیب به محیط زیست» و ضبط پاسپورت برزیلی‌اش گرفته تا مطرح شدن نامش پیرامون انتخابات سیاسی، حمایت از کمپانی‌های مشکوک و اقدامات جنجالی.

رونالدینیو سقوط سختی داشته و حالا ۴۰ سالگی خود را پشت سر گذاشته اما همچنان این فرصت را دارد تا اطمینان یابد میراث گرانبهایش در دنیای فوتبال توسط اقداماتش پس از بازنشستگی، از دست نرود. او در حال حاضر در اتاق ۱۰۴ هتل روزهای خود را سپری می‌کند و برای فکر کردن در خصوص اشتباهات پیشین خود، زمان کافی را در اختیار دارد. برتوتزی در این‌باره می‌گوید: «در مواجهه با چنین مواردی، همواره به یاد دیگو مارادونا می‌افتم. او شخصیت مشکل‌داری داشت و به یاد دارم که چگونه سال ۱۹۹۱ از ایتالیا فرار کرد. اما خاطرات دوران بازی بازیکنان، همواره راهی به ذهن هواداران باز می‌کنند. رونالدینیو نیز از این شانس برخوردار است. باید از همین لحظه دست به کار شود و اجازه ندهد بیشتر از این افتخارات تکرارنشدنی‌اش در فوتبال در سایه قرار بگیرند.» اولیویر هم در پایان صحبت‌هایش می‌گوید: «رونالدینیو می‌توانست با پله برابری کند. از آغاز او را دنبال کردم و شخصی با استعدادتر از او ندیده‌ام. او با کمی نظم و دیسیپلین خارج از مستطیل سبز می‌توانست به بازیکنی بسیار بزرگتر تبدیل شود و پنج توپ طلا را به نام خود ثبت کند.»

اما رونالدینیو که بدون شک به عنوان بهترین شماره ۱۰ تاریخ فوتبال جهان شناخته می‌شد، با بی‌دقتی خود و زندگی در حباب ساخته شده توسط خانواده، کاری کرد تا سرنوشتش از لمس مکرر توپ‌های طلا، به لمس میله‌های زندان و حضور در سلول شماره ۱۹۴ برسد. کسی که اکنون سعی دارد در دادگاه خود را از اتهامات تبرئه کند و به خانه برگردد.

